فصلنامه حسابداری مالی/سال دهم/ شماره ۴۰/زمستان ۹۷/صفحات ۵۰- ۲۹

ارائه الگوی پیشگیری و کنترل تقلب در ایران به روش نظریه‌پردازی زمینه بنیان

الهه تشدیدی*
سحر سپاسی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۷

چکیده

هدف اصلی پژوهش، ارائه الگوی پیشگیری و کنترل تقلب با توجه به ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی حاکم بر شرکت‌های ایرانی است. این مطالعه از نوع پژوهش‌های کیفی است که با استفاده از روش نظریه‌پردازی زمینه بنیان و بررسی مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. جامعه آماری پژوهش، خبرگان در زمینه تقلب هستند که از روش "نمونه‌گیری نظری" جهت انجام مصاحبه استفاده گردیده است. پس از جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و کسب نظر ۲۰ نفر از خبرگان، کدگذاری و تحلیل داده‌ها طی سه مرحله به انجام رسید. بر اساس نتایج این پژوهش عوامل فرهنگ اخلاقی سازمان و سیستم کنترلی اثربخش، شروط علی و اثرگذار بر روش‌های کنترلی شناخته شدند. هم‌چنین فرهنگ عمومی، شرایط اقتصادی کشور، اعتقادات مذهبی و نظام قانونی جزء شرایط زمینه‌ای و عوامل حاکمیت شرکتی و حسابرسی مستقل جزء شرایط مداخله‌گر قرار گرفتند. درنهایت روش‌های پیشگیری و کنترل تقلب در ۴ گروه کنترل‌های فیزیکی، کنترل‌های حسابداری، افشاگری تقلب و افزایش نقش واحد منابع انسانی طبقه‌بندی و پیامدهای آن در سه سطح جامعه، سازمان و سطح فردی شناسایی و ارائه گردیدند.

واژه‌های کلیدی: تقلب، روش‌های پیشگیری و کنترل تقلب، نظریه‌پردازی زمینه بنیان.

*دانشجوی دکترای حسابداری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
Email:tashdidi.e@modares.ac.ir
**دانشیار حسابداری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Email:sepasi@modares.ac.ir

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

۱- مقدمه

آثار زیان باری که رسوایی‌های مالی در سال‌های اخیر به وجود آورده، توجه به بحث تقلب[1] را اجتناب‌ناپذیر کرده است. رسوایی‌های مالی شرکت‌هایی همچون انرون، ورلدکام و... تنها نمونه‌هایی از رسوایی‌های بزرگ است که بازار سرمایه آمریکا را دچار نوسان کرد. این رسوایی‌ها نه‌تنها هزینه‌ها و زیان‌های اقتصادی مانند متضرر کردن اعتباردهندگان، سرمایه‌گذاران و سهامداران داشته، بلکه هزینه‌های سیاسی، قضایی و ... را نیز به بار آورده است. کاهش سرمایه‌گذاری مولد در بلندمدت، ایجاد شکاف طبقاتی در سازمان و گسترش نارضایتی‌ها، اتلاف منابع، ایجاد نارضایتی عمومی، نارضایتی مشتریان، ضعف اعتماد عموم مردم و کاهش منابع، کاهش ارزش سهام و ورشکستگی از پیامدهای تقلب است (صدیقی کمال،۱۳۹۲).

ایران نیز از آسیب و رشد این پدیده اقتصادی مستثنی نبوده، به‌گونه‌ای که در دو دهه اخیر، تقلب بحث غالب بازارهای مالی و نهادهای اقتصادی بوده است. اولین چیزی که در ذهن تمام آحاد جامعه پس از این تقلب‌ها متبلور شد این سؤال بود که پس نقش دستگاه‌های نظارتی در این سازمان‌ها چه می‌شود؟ آیا سازمان‌ها روش‌های مؤثر جهت جلوگیری از تقلب را بکار نمی‌گرفتند؟ آیا سیستم گزینشی مناسب و کارا هنگام جذب کارکنان بااخلاق اجرا نمی‌شد؟

باوجود این سؤالات اما توجه کمتری نسبت به شناسایی عوامل اثرگذار بر تقلب و اجرای روش‌های پیشگیری آن شده و نیز پژوهشی گسترده در مورد چرایی عدم اجرای مؤثر این روش‌های پیشگیری صورت نپذیرفته است. این در حالی است که اگر تقلب از طریق روش‌هایی مانند نظارت و کنترل و یا تطبیق حساب کشف و کنترل شود، هزینه‌های آن خیلی کمتر از زمانی است که از طریق روش‌های منفعل تشخیص داده شود. هم‌چنین در یک محیط تجاری مبتنی بر فناوری که با تغییرات سریع همراه است، نیاز مبرمی به روش‌های مؤثر برای پیشگیری و کنترل تقلب وجود دارد (خواجوی و ابراهیمی، ۱۳۹۶). عدم درستی سیستم‌های حسابداری و گزارشگری مالی واحد مورد رسیدگی و تعریف نشدن کنترل‌های مناسب شامل کنترل‌های مالی، کنترل‌های مربوط به رعایت قوانین و کنترل‌های هشداردهنده خطر، باعث ایجاد و ثبت هرگونه تقلب و سوءاستفاده از منابع مالی و غیرمالی شرکت‌ها می‌شود (بلکو و محمودی، ۱۳۹۵). در نتیجه عوامل مؤثر بر تقلب و اجرای روش‌های پیشگیری آن به منظور کارایی و اثربخشی این روش‌ها حائز اهمیت می‌شوند.

1Fraud

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

اما با توجه به این ضرورت، هدف اولیه پژوهش‌های گذشته بیشتر بر شناسایی مؤثرترین روش کنترل داخلی جهت پیشگیری از تقلب بوده است. به‌عنوان مثال در پژوهش خرمی و رسولی (۱۳۹۲) با عنوان تأثیر کنترل‌های داخلی و مجازات بر تقلب مشخص شد که جلوگیری از تقلب به روش تفکیک وظایف به دلیل افزایش میزان تلاش‌های لازم بابت انجام تبانی به منظور ارتکاب تقلب، مؤثرتر از ایجاد مجازات در نظام کنترل‌های داخلی برای کشف تقلب است. با این وجود قابل ذکر است که روش‌های کنترلی تقلب دارای ماهیتی چندوجهی است و علاوه بر ویژگی‌ها و عملکرد شخصی شرکت، تحت تأثیر ذینفعان و سایر افراد مشارکت‌کننده در زنجیره عرضه گزارشگری مالی و محیط قانونی و مقرراتی که شرکت‌ها در آن به فعالیت می‌پردازند، قرار دارد. لذا پژوهش حاضر علاوه بر شناسایی مؤثرترین روش‌های پیشگیری و کنترل تقلب، عوامل تأثیرگذار بر اجرای این روش‌ها را نیز شناسایی نموده است. هم‌چنین هدف بعدی اکثر پژوهش‌های انجام شده، تأثیر اجرای روش‌های کنترلی تقلب در شرکت‌ها بوده که پس از بررسی‌ها مشخص شده است که اجرای این روش‌های کنترلی مقرون به صرفه‌تر از حسابرسی مستقل جهت کشف تقلب است (دیمیتریویچ، میلوانومیک و استانکیک[1]، ۲۰۱۷). لذا پاسخگویی مناسب به نگرانی‌های موجود نیازمند ارائه روش‌های پیشگیری و کنترل تقلب و عوامل تأثیرگذار بر این روش‌ها می‌باشد. با توجه به مطالب ذکرشده مسئله اصلی پژوهش را می‌توان به شرح زیر مطرح نمود:

"روش‌های پیشگیری و کنترل تقلب و عوامل مؤثر بر آن‌ها کدامند؟"

بر همین اساس در ادامه به بررسی مبانی نظری و پژوهش‌های گذشته مرتبط با روش‌های کنترلی و پیشگیری تقلب پرداخته می‌شود. سپس روش پژوهش، نحوه جمع‌آوری داده‌ها و روش تجزیه‌وتحلیل آن‌ها با به‌کارگیری نظریه زمینه بنیان تشریح می‌گردد.

۲- مبانی نظری

تعریف‌های بسیاری برای تقلب وجود دارد که طبق استاندارد ۲۴۰ حسابرسی تحریف در صورت‌های مالی می‌تواند از تقلب یا اشتباه ناشی شود. طبق این استاندارد، " تقلب " عبارت است از هرگونه اقدام عمدی یا فریبکارانه یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان یا اشخاص ثالث، برای برخورداری از مزیتی ناروا یا غیرقانونی؛ که تفاوت بین تقلب و اشتباه در عمدی یا غیرعمدی بودن آن است.

1Dimitrijevic, Milovanovic and Stancic

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

علاوه بر تعریف تقلب، انجمن بازرسان رسمی تقلب[1] (بزرگ‌ترین انجمن بررسی و کشف تقلب در دنیا) هرساله گزارشی از انواع تقلب و میزان آن منتشر می‌کند که در این گزارش‌ها، تقلب‌های حرفه‌ای در سه مقوله فساد مالی، سوءاستفاده از دارایی‌ها و تقلب در صورت‌های مالی طبقه‌بندی گردیده‌اند:

– **فساد مالی:** فساد مالی تقلبی است که در آن کارکنان یک واحد از موقعیت و نفوذ خود به منظور دستیابی به منافع مستقیم یا غیرمستقیم سوءاستفاده می‌کنند.

– **سوءاستفاده از دارایی‌ها:** شایع‌ترین انواع تقلب است که شامل دزدی یا استفاده نادرست کارکنان از موجودی‌ها و سایر دارایی‌های یک سازمان است.

– **تقلب در صورت‌های مالی:** تقلب در صورت‌های مالی عبارت است از ارائه نادرست، حذف اقلام و افشا نکردن کافی اطلاعات به منظور فریب استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، به‌خصوص سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان.

هم‌چنین به‌طورکلی در پژوهش‌های گذشته عوامل مرتبط با وقوع تقلب در قالب یک مثلث بررسی گردیده که به مثلث تقلب معروف شده است و دارای سه ضلع "مشوق‌ها "، "فرصت‌ها "و " نگرش‌ها " می‌باشد.

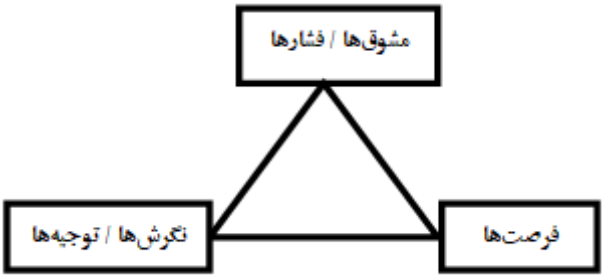
۱. مشوق‌ها / فشارها: مدیریت و سایر کارکنان مشوق‌ها و فشارهایی (انگیزه) برای ارتکاب به تقلب دارند. این فشارها ممکن است، نیازهای مالی، خودبینی و ناسازگاری‌های رفتاری باشد.

۲. فرصت‌ها: شرایط موجود در شرکت‌ها، فرصت‌هایی را برای مدیران یا کارکنان جهت ارتکاب به تقلب ایجاد می‌کنند. به‌عنوان مثال نبود کنترل‌های داخلی و یا نامناسب بودن کنترل‌های موجود.

۳. نگرش‌ها / توجیه‌ها: افرادی که مرتکب اعمال متقلبانه می‌شوند، قادر به توجیه عمل خود هستند و بعضی از این افراد دارای نگرش، ویژگی یا مجموعه‌ای از اصول اخلاقی هستند که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا آگاهانه و به‌عمد تخلفاتی را مرتکب شوند.

1The Association of Certified Fraud Examiners

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]



شکل (۱): مثلث تقلب (وفادار و دادبه، ۱۳۹۲)

اصلی‌ترین موضوع در بحث پیشگیری از وقوع تقلب، عدم ایجاد هر یک از اضلاع این مثلث در سازمان‌ها می‌باشد که مطابق با استاندارد بین‌المللی حسابرسی شماره ۲۴۰، هیئت‌مدیره مسئول پیشگیری و کشف تقلب و اشتباه می‌باشد. بررسی‌های انجام شده توسط حرفه حاکی از این مطلب است که تقلب امری است که همیشه هست و می‌تواند وجود داشته باشد و احتمال بروز آن هنگامی کاهش می‌یابد که همه عوامل موجود در سازمان (مدیریت، حسابرس داخلی و خارجی، کمیته حسابرسی و کارکنان) در مبارزه با این مورد ضد ارزشی و اخلاقی همسو شوند (چالاکی،۱۳۹۴).

یکی از اقدامات پیشگیرانه درون‌سازمانی که مدیران شرکت‌ها موظف به استقرار و اجرای آن هستند، کنترل‌های داخلی است که جهت تأمین اطمینان نسبی از اجرای صحیح امور و مطابقت آن با مقررات و سیاست‌های وضع‌شده، آن را انجام می‌دهند تا کارایی و سودمندی عملیات را بالا برده و به هدف‌های از قبل تعیین‌شده دست یابند. کنترل‌های داخلی شامل طرح سازمان و تمامی رویه‌های هماهنگ پذیرفته‌شده در سازمان است که برای حفاظت از دارایی‌ها، رسیدگی به‌درستی و اتکاپذیری داده‌های حسابداری، ارتقای کارآمدی عملیات و تشویق جهت پیروی از رویه‌های مدیریتی تجویزشده است (بکلو و محمودی، ۱۳۹۵). طبق تعریف ارائه شده توسط کارگروه سازمان‌های پشتیبان مالی کمیسیون تردوی[1] کنترل داخلی شامل ۵ جزء می‌باشد:

محیط کنترلی، ارزیابی ریسک، فعالیت‌های کنترلی، اطلاعات و ارتباطات و نظارت

محیط کنترلی: سازه و شالوده دیگر اجزاء کنترل داخلی، محیط کنترلی است که نظم و ساختار را به وجود می‌آورد و شامل درستکاری و صداقت، پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و مدیریت صحیح منابع انسانی می‌باشد (صابری، ۱۳۸۸).

1COSO

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

ارزیابی ریسک :فرایند شناسایی و تجزیه‌وتحلیل، تعیین اقدامات و عکس‌العمل‌های لازم برای مقابله با ریسک‌هایی است که در مسیر رسیدن به اهداف سازمانی قرار دارند (صابری، ۱۳۸۸).

فعالیت‌های کنترلی: مجموعه‌ای از خط‌مشی‌ها، روش‌ها و رویه‌هایی است که مدیران با اعمال آن‌ها از اجرای قوانین و دستورات، اطمینان معقول حاصل می‌نماید. فعالیت‌های کنترلی را بر مبنای رابطه آن‌ها با اهداف سازمان‌ها به سه گروه عملیاتی، گزارش دهی مالی و رعایت قوانین و مقررات تقسیم می‌نمایند (باباجانی،۱۳۸۱).

اطلاعات و ارتباطات: ارتباطات در ذات سیستم‌های اطلاعاتی نهفته است. سیستم‌های اطلاعاتی باید اطلاعاتی را به کارکنان بدهد که آن‌ها را در انجام مسئولیت‌های عملیاتی، مالی و رعایتی، کمک کنند. کارکنان واحدهای اقتصادی باید از چگونگی ارتباط فعالیت‌های خود با دیگران آگاه باشند. برای گزارش این اطلاعات به‌مراتب بالاتر، باید کانال‌های ارتباطی باز و گوش شنوا وجود داشته باشد. (زرگر، ۱۳۹۱).

نظارت: سامانه‌های کنترل داخلی به منظور ارزیابی کیفیت عملکرد سامانه، باید به‌طور مداوم مورد ارزیابی قرار بگیرند. این عمل به‌وسیله اجرای فعالیت‌های عادی و روزمره، ارزشیابی‌های مشخص و مستقل و یا ترکیبی از هر دو، اجرا می‌گردد (صابری، ۱۳۸۸).

به منظور کارکرد مؤثر هریک از اجزاء کنترل داخلی در یک سازمان، نقش افراد حائز اهمیت می‌شود تا بدون هرگونه اقدامات سوگیرانه و انگیزه‌های شخصی به اجرا و نظارت مستمر کنترل داخلی بپردازند. لذا در پژوهش حاضر کنترل‌های طراحی و اجراشده توسط مدیران شرکت‌های درگیر تقلب، به‌عنوان یکی از عوامل درون‌سازمانی مورد پرسش و بررسی قرار می‌گیرد تا دلایل عدم کارکرد درست این کنترل‌ها و اجزاء آن شناسایی شوند.

علاوه بر عوامل درون‌سازمانی که تنها سازمان مربوطه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، سایر عوامل برون‌سازمانی و کلان وجود دارد که نقش گسترده‌ای در جلوگیری از تقلب ایفا می‌نمایند. به‌عنوان مثال در پژوهشی با عنوان تبیین مفهوم فساد اقتصادی و سیاسی در جامعه توسعه محور توسط صنیعی (۱۳۹۵) مشخص شد که شرایط اقتصادی کشور در ایجاد فساد و تقلب در جامعه نقش به سزایی دارد. لذا پژوهش حاضر به منظور شناسایی روش‌های کنترلی مناسب و عوامل مؤثر بر آن‌ها در جلوگیری از تقلب (در سطح خرد و کلان) و ترسیم ارتباط عوامل شناسایی شده با استفاده از روش نظریه زمینه بنیان اقدام نموده است.

با توجه به اهمیت موضوع پیشگیری و کنترل تقلب، در ادامه به پژوهش‌های مرتبط با روش‌های پیشگیری و عوامل مؤثر بر تقلب در شرکت‌ها پرداخته می‌شود.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

۳- مروری بر ادبیات پژوهش

دیمیتریویچ و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی نقش کنترل داخلی در پیشگیری از تقلب پرداختند. هدف از این مطالعه بررسی عملکرد شرکت با استفاده از روش‌های پیشگیرانه کنترل‌های داخلی بود. آن‌ها نشان دادند که تکنیک‌های کنترل داخلی در نظر گرفته شده برای جلوگیری از تقلب زمانی می‌تواند اجرا شود که شرکت دارای سیستم توسعه‌یافته کنترل داخلی باشد و به‌طور منظم فرآیند کنترل را انجام دهد.

لاجوس، سمیر مالیسا و نواک[1] (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان نقش و مسئولیت حسابرسان در پیشگیری و کشف تقلب در گزارشگری مالی به این نتیجه رسیدند که فعالیت‌های متقلبانه مانند صورت‌های مالی متقلبانه و سوءاستفاده از دارایی، زیان بالایی برای شرکت‌ها به همراه دارد. مطابق این پژوهش رایج‌ترین تکنیک برای گزارشگری مالی متقلبانه شامل بیش نمایی دارایی‌ها شناسایی شد و پیشنهاد دادند که شرکت‌ها باید سیستم‌های کنترل داخلی قوی طراحی و اجرا نمایند. هم‌چنین نقش و مسئولیت‌های همه طرفین در گزارشگری مالی در پیشگیری و شناسایی تقلب را تعیین نمایند.

عثمان، تانی و کغان[2] (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای باهدف شناسایی روش‌های تشخیص و جلوگیری از تقلب و فساد در بخش عمومی در کشور مالزی از دیدگاه حسابداران پرداختند. در این پژوهش با استفاده از پرسشنامه‌های ساختاریافته بر روی نمونه‌ای از جمعیت حسابداران و حسابرسان داخلی از بخش عمومی مالزی مشخص شد که حسابرسی عملیاتی، افزایش نقش کمیته حسابرسی، بهبود کنترل‌های داخلی، پیاده‌سازی سیاست‌های گزارش تقلب، چرخش کارکنان، خطوط گزاش تقلب و حسابداران قانونی مؤثرترین روش‌های کشف و پیشگیری از تقلب در بخش دولتی مالزی هستند.

میریناویچینی[3] (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای به تجزیه‌وتحلیل مطالعات قبلی در مورد تشخیص و پیشگیری از تقلب پرداختند. آن‌ها نشان دادند که اکثر مطالعات به این نتیجه دست یافته‌اند که کنترل‌های داخلی قوی یک عامل تأثیرگذار در گزارشگری مالی و پیشگیری و تشخیص تقلب هستند. در این پژوهش مشخص شد که اکثر شرکت‌ها بر کشف تقلب تمرکز می‌کنند، درحالی‌که جلوگیری از تقلب و اجرای کنترل‌های داخلی مناسب و پیشگیری آن بهتر از زیان‌های مالی بعد از اتفاق تقلب است.

1 Lajos, Sever Malis and Novak
2 Othman, MdThani and Kghan
3 Mirinaviciene

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

سیتارمن، سنسیلولمورگن و پریناياگام[1] (۲۰۱۴) در پژوهشی نشان دادند که مؤثرترین ابزار برای شناسایی تقلب عبارت‌اند از: بررسی‌های حسابرس داخلی و خطوط گزارش تقلب. هم‌چنین نشان دادند که استقرار رویه‌های هدفمند پیشگیری از تقلب و بهبود ضعف‌های سیستم کنترل داخلی منجر به جلوگیری از تقلب و کاهش زیان می‌گردد.

شرلیزنلسون[2] (۲۰۱۲) در پژوشی ویژگی‌های شرکت‌های متقلب را ۳ سال پس از سال مورد تقلب مورد بررسی قرار داد. یافته‌ها نشان داد که فروش در شرکت‌های متقلب کاهش‌یافته و هم‌چنین میزان بدهی‌ها روند افزایشی داشته است. با این وجود اندازه هیئت‌مدیره ممکن است اثر تقلب را کاهش دهد.

بیراستیکر، بورودی و پاکینی[3] (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای به بررسی میزان استفاده حسابداران و حسابرسان داخلی از روش‌های پیشگیری تقلب پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که حفاظت از ویروس و رمز عبور و بررسی و بهبود کنترل داخلی معمولاً برای مبارزه با تقلب بیشترین کاربرد را دارد. با این وجود داده‌کاوی، استفاده از حسابداران قانونی و تجزیه و تجلیل روند، هرچند که دارای رتبه‌بندی بالایی از اثربخشی هستند کاربرد چندانی ندارند.

بلکو و محمودی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان تأثیر کنترل‌های داخلی بر تخلفات مالی دستگاه‌های اجرایی به بررسی تأثیر پنج جزء کنترل‌های داخلی شامل محیط کنترلی، ارزیابی ریسک، فعالیت‌های کنترلی، اطلاعات و ارتباطات و نظارت پرداختند. نتایج آزمون فرضیه‌ها، وجود تأثیر معنی‌دار هزینه استقرار و کلیه اجزاء کنترل داخلی جز اطلاعات و ارتباطات، بر تخلفات مالی را نشان داد.

مرادی، رستمی و زارع (۱۳۹۳) به شناسایی عوامل مؤثر بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری صورت‌های مالی از دید حسابرسان و مدیران پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان دادند که بین ویژگی‌های مدیریت، تبعیت مدیریت از کنترل‌های داخلی و استانداردهای لازم‌الاجرا، عوامل خطر مرتبط با شرایط بازار و صنعت، ویژگی‌های عملیاتی، نقدینگی و ثبات مالی با احتمال وقوع تقلب رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

خرمی و رسولی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان تأثیر کنترل‌های داخلی و مجازات بر تقلب به این نتیجه رسیدند که جلوگیری از تقلب به روش تفکیک وظایف به دلیل افزایش میزان تلاش‌های لازم بابت انجام تبانی به منظور ارتکاب تقلب، مؤثرتر از ایجاد مجازات در نظام

1 Seetharaman, Senthilvelmurugan and Periyanayagam
2 Sherliza
3 Bierstaker, Brody and Pacini

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

کنترل‌های داخلی برای کشف تقلب است؛ بنابراین، به‌کارگیری یک نظام کنترل داخلی که تفکیک وظایف را مدنظر قرار می‌دهد، موجب افزایش هزینه کارمند برای ارتکاب تقلب می‌شود. منظور از افزایش هزینه کارمند این است که باوجود تفکیک وظایف، وی سود بیشتری را بابت تلاش‌هایش برای ارتکاب تقلب در مقایسه با زمانی که تفکیک وظایف وجود ندارد، طلب کند.

با توجه به عدم وجود پژوهشی گسترده در زمینه روش‌های پیشگیری و کنترل تقلب و عوامل مؤثر بر آن‌ها در شرکت‌های ایرانی، در این پژوهش سعی بر آن است با استفاده از نظر متخصصان حرفه‌ی تقلب، الگوی کنترلی مناسب و عوامل مؤثر بر آن با شرایط موجود در شرکت‌های ایرانی ارائه گردد تا با استفاده از آن بتوان هزینه ناشی از تقلب را کاهش داد.

۴- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی است که از روش نظریه‌پردازی زمینه بنیان[1] جهت ارائه الگوی پیشگیری و کنترل تقلب استفاده شده است. از ویژگی‌های مهم نظریه‌پردازی زمینه بنیان آن است که از استدلال استقرایی برای ورود به سطح خرد واقعیت و از استدلال قیاسی برای ساخت الگوی نظری عام و از استدلال استفهامی[2] برای درک موضع کنشگران اجتماعی استفاده می‌کند. روش نظریه‌پردازی زمینه بنیان روشی است که هدف آن شناخت و درک تجارب افراد از رویدادها و وقایع در بستری خاص است (کوربین و استراوس[3]،۱۹۹۸). هدف این پژوهش نیز شناخت و درک تجارب افراد در زمینه "عوامل و شرایط ایجاد تقلب و روش‌های پیشگیری آن " در بستر موجود در ایران است که از منظر محیط حقوقی، اقتصادی، استاندارد گذاری، سازوکار نظارتی، روش‌های حسابرسی، توسعه بازار سرمایه و ... دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشد.

با توجه به هدف پژوهش، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های ساختار نیافته و با رویکرد اکتشافی جمع‌آوری گردیده‌اند. مصاحبه یکی از بهترین روش‌ها در نظریه زمینه‌ای است. از مزایای کاربرد نظریه زمینه‌ای دادن آزادی به مصاحبه‌شونده است تا بدون محدودیت‌هایی که در روش‌های جمع‌آوری و تحلیل داده‌های قدیمی ممکن بود یافت شود صحبت کند.

۱- در زبان فارسی، برای واژه گراندد تئوری (Grounded Theory) معادل‌هایی از قبیل نظریه مبنایی، نظریه‌پردازی داده بنیاد، نظریه زمینه‌ای، تئوری مفهوم‌سازی بنیادی و نظریه بنیادی ارائه شده است.

2 Abductive

3 Corbin and Strauss

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

۵- جامعه و نمونهٔ آماری پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر شرکای مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار، استادان حسابداری عضو هیئت‌علمی، اعضای انجمن حسابرسان داخلی و کارشناسان رسمی دادگستری در زمینه تقلب می‌باشند.

روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر روش "نمونه‌گیری نظری[1]" است که در این فرایند یکی از مفاهیم مهم "اشباع نظری" است. به این منظور که نمونه‌ها تا جایی اضافه می‌گردند که دیگر بینش و بصیرتی به مصاحبه‌کننده افزوده نشود (کورتیس، گسلر، اسمیت و وشبورن[2]،۲۰۰۰). به‌طور خلاصه در ابتدا پژوهشگر بر اساس قضاوت خود از بهترین منابع اطلاعاتی از قبیل مشاهده بهترین انتخاب‌ها را انجام می‌دهد و سپس به دنبال نمونه‌هایی می‌رود که نظریه ایجادشده را کامل کنند. در نتیجه در پژوهش حاضر پژوهشگر پس از انجام ۲۰ مصاحبه از نظر اطلاعات به اشباع رسید و جمع‌آوری داده‌ها را متوقف نمود. میانگین مدت‌زمان مصاحبه‌ها یک ساعت و بیست دقیقه بوده است. در جدول ۱ ویژگی‌های خبرگانی که با آن‌ها مصاحبه انجام‌شده، ارائه گردیده است.

جدول (۱): وضعیت موقعیت شغلی و مدارک تحصیلی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

سمت	دکتری	کارشناسی ارشد
شریک موسسه حسابرسی	۲	۴
کارشناس رسمی دادگستری	۳	۲
عضو هیئت‌علمی و مدرس دانشگاه	۳	
عضو انجمن حسابرسان داخلی	۴	۲

۶- روش تجزیه‌وتحلیل داده‌ها

روش نظریه‌پردازی زمینه بنیان طی سه مرحله زیر اجرا می‌شود:

الف) تعیین سؤال‌های پژوهش

ب) گردآوری داده‌ها همراه با تحلیل تا جایی که به مرحله اشباع می‌رسیم. (که پژوهش حاضر به این منظور از روش نمونه‌گیری نظریه‌ای و مصاحبه آزاد استفاده کرده است)

ج) کدگذاری داده‌ها طی سه مرحله (به منظور کشف و یافتن مفاهیم در داده‌ها)

در نخستین مرحله از کدگذاری که کدگذاری باز نامیده می‌شود پژوهشگر با مرور مجموعه داده‌های گردآوری‌شده تلاش می‌کند که مفاهیم مستتر در آن را شناسایی کند. با این توصیف،

1 Theoretical Sampling
2 Curtis, Gesler, Smith and Washburn

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

نحوهٔ رسیدن به کدهای اولیه بدین‌صورت بوده که هر یک از مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی متن آن‌ها، به‌صورت جمله به جمله، به‌دقت بررسی و پیام اصلی یا مفهوم کلیدی مستتر در هر یک از عبارت‌ها استخراج می‌شد. در برخی جمله‌ها مصاحبه‌شوندگان از اصطلاحاتی استفاده می‌کردند که مستقیماً به‌عنوان یک کد قابل‌استفاده بود و در برخی موارد، مفهومی در ورای جملات پنهان بود که پژوهشگر با توجه به نیت گوینده، یک مفهوم را به آن نسبت داده و به‌صورت یک کد اولیه در نظر گرفته است. کدهای اولیه، پس از هر مصاحبه پالایش شده و با توجه به سنخیت و تجانس با سایر کدهای کشف شده، ذیل مفهومی کلان‌تر قرار گرفته و این فرآیند، بارها و بارها تکرار شد تا پس از پالایش‌های مکرر، کدهای اولیه به مفاهیم و مفاهیم نیز هر یک بر اساس فرآیند تجانس مفهومی، در قالب مفاهیم گسترده‌تر به‌عنوان مقوله سازمان‌دهی شوند. به‌عنوان مثال نقل‌قول یکی از مصاحبه‌شوندگان به شرح زیر است:

"نهادهای مختلف به دنبال اجرای قوانین ضد تقلب هستند اما حتی اگر بهترین و سخت‌ترین قوانین را تصویب و اجرا کنیم تا زمانی که مردم کشور ما در هر جایگاهی هستند چه جایگاه مدیریت و چه جایگاه کارمندی و کارگری، به اخلاق و ارزش‌های اخلاقی اعتقاد نداشته باشند، همیشه به فکر دور زدن قوانین و مقابله با آن هستند. به‌جای اینکه کوتاه‌مدت نگاه کرد و همیشه به دنبال وضع قوانین باشیم باید بلندمدت فکر کرد. با توجه به شرایط موجود و تقلب‌های اخیر تا زمانی که فرهنگ کل کشور، اصلاح نشود تقلب وجود دارد. پس باید ببینیم چه عواملی در اثربخش بودن کنترل داخلی سهم بالایی دارند، آن عوامل را پیاده‌سازی کنیم و بعد به سراغ اجرای کنترل داخلی برویم؛ که به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل اعتقاد به اخلاق و درستکاری است که باید آموزش داده شود و این‌یک برنامه‌ی یک‌شبه نیست بلکه باید استمرار داشته باشد."

از نقل‌قول بالا مفاهیم "عدم پایبندی به ارزش‌های اخلاقی"، " عدم آموزش اخلاق" و "عدم آموزش مستمر اخلاق" نیز شناسایی شدند که با مقایسه مکرر این مفاهیم، پژوهشگر به این نتیجه رسید که مفاهیم " عدم پایبندی به ارزش‌های اخلاقی"، " عدم آموزش اخلاق" و "عدم آموزش مستمر اخلاق" اشاره به یک موضوع دارند که در سطح بالاتری از انتزاع، پژوهشگر برچسب " فرهنگ اخلاقی سازمانی" را به آن اختصاص داد. به همین ترتیب مقوله‌های مختلف و متعددی در رابطه با کنترل و پیشگیری تقلب شناسایی و استخراج‌شده است.

در گام بعدی که کدگذاری محوری است، فرآیند اختصاص کد به مفاهیم موجود در داده از حالت کاملاً باز خارج می‌شود و شکلی گزیده به خود می‌گیرد. اگر در کدگذاری باز داده‌ها را

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

بشکنیم و از هم جدا کنیم یا به منظور نمایش داده‌ها و مقوله‌های نظری داده‌ها را باز کنیم، کدگذاری محوری دوباره مقوله‌های قبلی را با روش مفهومی در کنار هم قرار می‌دهد و ارتباط درونی بین این مفاهیم ایجاد می‌کند (کوربین و استراوس، ۱۹۹۸). در پژوهش حاضر نیز با انجام کدگذاری محوری بین مقوله‌ها پیوند برقرار گردید و شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها شناسایی گردید.

مرحله بعدی کدگذاری گزینشی است که عبارت است از روند انتخاب مقوله‌ی اصلی به‌طور منظم و ارتباط دادن آن با سایر مقوله‌ها و اعتبار بخشیدن به روابط. در این پژوهش، با توجه به اینکه ارائه الگوی پیشگیری و کنترل و عوامل مؤثر بر تقلب، مسئله اصلی پژوهش است و مطالب مطرح‌شده در مصاحبه‌ها حول این محور قرار داشته است، لذا در کدگذاری گزینشی، مقوله‌ی اصلی این پژوهش" عدم وجود روش‌های کنترلی مؤثر در پیشگیری از وقوع تقلب" شناسایی شد که در مرکز مدل قرار گرفته و سایر مقوله‌ها به آن مرتبط شده است. در بخش بعدی پژوهش به بررسی یافته‌های پژوهش در مرحله کدگذاری محوری می‌پردازیم.

۷- یافته‌های پژوهش

بر اساس تحلیل داده‌ها، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها به شرح زیر شناسایی شدند:

شرایط علی: شرایط علی شرایطی هستند که مقولهٔ اصلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و به وقوع یا گسترش پدیده موردنظر می‌انجامند. شرایط علی در داده‌ها اغلب با واژگانی نظیر وقتی، درحالی‌که ازآنجاکه چون به سبب و به علت بیان می‌شوند (کوربین و استراوس، ۱۹۹۸).

طبق نظر خبرگان با توجه به اینکه مقوله‌ی اصلی پژوهش حاضر" عدم وجود روش‌های کنترلی مؤثر در پیشگیری از وقوع تقلب" می‌باشد، لذا دو عامل اصلی که بر این مقوله تأثیرگذارند عبارت‌اند از" فرهنگ اخلاقی سازمانی" و "سیستم کنترلی اثربخش".

طبق نظر خبرگان"فرهنگ اخلاقی سازمانی" شامل آموزش ارزش‌های اخلاقی و استمرار آن، ارائه آیین رفتار حرفه‌ای و آموزش آن و نظارت بر رعایت آن، یکی از عوامل اصلی در پیشگیری از تقلب می‌باشد. به‌عنوان مثال نظر برخی مصاحبه‌شوندگان درباره این عامل این‌گونه بود:

"خیلی از این تقلب‌ها را می‌توان به رفتار اخلاقی افراد نسبت داد؛ مثلاً اگر مدیر به‌طور اخلاقی رفتار می‌کرد احتمال پیشگیری از تقلب وجود داشت. قوانین بازدارنده و ناظر می‌توانند تقلب را کاهش دهند ولی نمی‌توانند جایگزین فرهنگ و ویژگی‌های اخلاقی باشند. اگر یک محیط اخلاقی درست در شرکت‌ها ایجاد شود باعث ایجاد جو اخلاقی و پایبندی به اخلاق

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

می‌گردد و درنهایت بر تصمیمات فرد و رفتار آن تأثیر می‌گذارد. تا زمانی که اعتقاد به اخلاق و رعایت آن نباشد همه‌چیز بی‌اثراست، قوانین، آیین رفتار حرفه‌ای و کنترل‌های داخلی".

سیستم کنترل داخلی اثربخش عامل دیگر در پیشگیری از وقوع تقلب است. طراحی و اجرای کنترل داخلی، نظارت مستمر بر اجرای کنترل‌ها و بهبود ضعف‌های آن از ویژگی‌های این عامل می‌باشد. نکته حائز اهمیت این است که مسئولیت اصلی طراحی و اجرای سیستم کنترل داخلی به عهده مدیریت می‌باشد، در نتیجه ابتدا باید مدیران مسئولیت و نقش خود را در قبال سیستم کنترل داخلی بپذیرند و آگاه شوند که سیستم کنترل داخلی، کنترلی مدیریتی است که در درون یک واحد به‌عنوان بخشی از زیرساخت کنترل مدیریت به وجود می‌آید تا به مدیران در انجام کار یک واحد و دستیابی به هدف‌های آن بر یک‌پایه و اساس مداوم کمک کند (خوزین، محمدی و رجب زاده، ۱۳۹۶).

شرایط زمینه‌ای: بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته و مطالعات انجام شده، کارا نبودن روش‌های کنترلی در جلوگیری از وقوع تقلب در بستر "فرهنگ عمومی کشور"، "عوامل اقتصادی کشور"، "اعتقادات مذهبی" و "نظام قانونی" شکل گرفته است. شرایط زمینه‌ای، مجموعه‌ای از شرایط هستند که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند تا مجموعه اوضاع‌واحوال را به وجود آورند که اشخاص با تعامل‌های خود به آن‌ها پاسخ دهند (کوربین و استراوس، ۱۹۹۸). در پژوهش حاضر نیز سه عامل فوق‌الذکر، به‌عنوان مجموعه شرایط اثرگذار بر اثربخش نبودن روش‌های کنترلی در جلوگیری از وقوع تقلب شناسایی گردیدند.

طبق نظر خبرگان یکی از مهم‌ترین شرایط زمینه‌ای که در جلوگیری از وقوع تقلب تأثیرگذار است ویژگی‌های فرهنگی هر کشور است. فرهنگ یک پدیده اجتماعی است که از سویی در تلاش انسان‌ها برای پاسخگویی به نیازهای گوناگونشان پدید می‌آید و از سوی دیگر راهنمای فکر و عمل انسان‌ها برای رفع نیازهایشان است (فردرو،۱۳۸۰). طبق نظر خبرگان فرهنگ مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی و نظارت‌پذیری مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگی است که در بحث تقلب تأثیرگذار است. نقل‌قول یکی از مصاحبه‌شوندگان به شرح زیر است:

"تا زمانی که فرهنگ پاسخ‌گویی در کشور ما شکل نگیرد و هیچ مقام مسئولی خود را پاسخ‌گو در قبال کاری که انجام داده نبیند، از هر فرصتی برای تقلب استفاده می‌کند. خانواده و بعضی دستگاه‌های دولتی مثل صداوسیما و آموزش‌وپرورش ازجمله ساختارهای تأثیرگذار بر فرهنگ عمومی کشور ما هستند. آموزش‌وپرورش بیشترین نقش را در فرهنگ‌سازی یک جامعه دارد، بعد از آموزش‌وپرورش، خانواده مؤثرترین نهاد برای انتقال مفاهیم فرهنگی است".

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

با توجه به نظر مصاحبه‌شوندگان، عوامل اقتصادی کل کشور یکی دیگر از شرایط زمینه‌ای است که افراد، باروی آوردن به تقلب نسبت به آن پاسخ می‌دهند. در پژوهشی با عنوان تأثیر تحریم اقتصادی بر رفاه اجتماعی مردم توسط رجبی (۱۳۹۲) مشخص شد که بعد از تحریم احساس محرومیت نسبی مردم بیشتر شده است، احساس شادی مردم کمتر شده و وقت کمتری را برای شاد بودن در کنار خانواده دارند، احساس رضایت از زندگی آن‌ها کاهش پیداکرده و احساس نگرانی زیادی در مورد آینده و وضعیت شغلی و مالی خود دارند و در نتیجه تحریم‌ها تأثیر زیادی بر رفاه عینی و ذهنی مردم داشته است و رفاه اجتماعی مردم ایران را کاهش داده‌اند. به‌عنوان مثال نظر یکی از پژوهشگران تقلب به شرح زیر آمده است:

"یکی از مهم‌ترین عوامل اقتصادی در بعد کلان، افزایش فاصله طبقاتی میان طبقات اجتماعی غنی و فقیر است. برای درک بهتر علت گرایش به تقلب، عده‌ای را تجسم کنید که بر روی یک پله‌برقی که به‌طرف بالا می‌رود، ایستاده‌اند و به‌راحتی به‌طرف بالا (برخورداری از رفاه و فرصت‌های اجتماعی عالی) می‌روند که این پله‌برقی فقط برای عده معدودی از افراد جامعه است. بقیه مردم که اکثریت آن را تشکیل می‌دهند نیز می‌خواهند به آن مرتبه بالا برسند، اما راهی ندارند به‌جز اینکه از روی پله‌برقی دیگری که به‌طرف پایین می‌آید با فعالیت و سرعت بسیار بیشتر حرکت کنند اما هرگز به آن نمی‌رسند، مگر اینکه خود را از این قاعده خارج کنند. وضع کارمندان و کارگران در جامعه امروز ایران شبیه به حرکت بر روی پله‌برقی از نوع دوم است. کارمندان و کارگران با همسران و فرزندانشان در مقابل خود، افراد زیادی را می‌بینند که در رفاه کامل از پله‌های دستیابی به رفاه استفاده می‌کنند. از سوی دیگر، مرتباً از طریق تبلیغات، جنبه‌های گوناگون یک زندگی مرفه به آن‌ها معرفی می‌شود؛ بنابراین، احساس عدم وجود عدالت اجتماعی در نگرش‌ها و ذهنیات آن‌ها موجب می‌شود که اعتقاد به‌نظام اجتماعی کاهش یابد و کنترل روانی افراد بر روی رفتار خود کم شود (رفیع پور، ۱۳۷۹)".

یکی دیگر از شرایط زمینه‌ای مؤثر بر روش‌های جلوگیری از وقوع تقلب، اعتقادات مذهبی و پایبندی به آن‌هاست. تحقیقات واتسون[1] (۱۹۹۴) نشان می‌دهد که افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی از نظر شناختی منطقی‌تر و از سلامت روانی بیشتری برخوردارند و میزان رضایتمندی آن‌ها از زندگی بیشتر است و در مواجه‌شدن با موقعیت‌های نا اطمینان درستکاری را پیشه می‌کنند. طبق نظر کوئینگ:

"افراد مذهبی از الگوی تصمیم‌گیری خاصی استفاده می‌کنند. این الگو فرد را در جهت افزایش تصمیم‌گیری‌های مفید برای خود و اطرافیان و کاهش تصمیم‌گیری‌های مخرب سوق

1Watson

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

می‌دهد. احساس کنترل به‌واسطه دعا کردن در آن‌ها ایجاد می‌شود و با دعا کردن احساس کنترل غیرمستقیم، بر شرایط به ظاهر غیرقابل تغییر و ناگوار دارند در نتیجه اعتقادات مذهبی بر رفتار اخلاقی انسان تأثیر می‌گذارد."

هم‌چنین نظام قانونی کشور یکی دیگر از شرایطی است که روش‌های پیشگیری از تقلب را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رسا بودن و عدم وجود تناقض در قوانین مختلف و هم‌چنین جلوگیری از تعدد و پراکندگی قوانین و مقررات از ویژگی‌های این عامل اصلی می‌باشند. به‌عنوان مثال نمونه از نقل‌قول خبرگان در ذیل شرح شده است:

"بعضی مواقع قانون خودش به منشأ و عامل ایجاد مشکل تبدیل می‌شود. تعداد زیاد قوانین و مقررات مالی در ایران مسئله بسیار مهمی است. پیچیدگی و نامتناسب بودن بعضی از قوانین و مقررات مالی خودش به بزرگ‌ترین معضل برای انواع تقلب تبدیل‌شده است".

شرایط مداخله‌گر: شرایط مداخله‌گر، مجموعه شرایط ساختاری هستند که به پدیده‌ای تعلق دارند و بر راهبردها اثر می‌گذارند. آن‌ها راهبردها را در درون زمینه خاصی سهولت می‌بخشند و یا آن‌ها را محدود و مقید می‌کنند. طبق نظر مصاحبه‌شوندگان، "حاکمیت شرکتی" و "کیفیت حسابرسی مستقل" دو شرط مداخله‌گر در مؤثر بودن روش‌های کنترلی جهت پیشگیری از وقوع تقلب هستند.

راهبردها: با توجه به نظر خبرگان، روش‌های کنترلی و پیشگیری از تقلب در ۴ طبقه‌ی "افزایش نقش واحد منابع انسانی"، "برقراری راه‌های ارتباطی جهت افشاگری تقلب"، "کنترل‌های فیزیکی" و"کنترل‌های حسابداری" خلاصه می‌شوند.

بر اساس نظر خبرگان یکی از روش‌های پیشگیری از وقوع تقلب، پررنگ کردن نقش واحد منابع انسانی در مدیریت کارکنان (جذب کارکنان جدید، آموزش کارکنان، ارزیابی عملکرد کارکنان و پاداش دادن به آن‌ها و به‌طور خلاصه ایجاد محیطی سالم و منصفانه برای کارکنان) است. به‌عنوان مثال نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان در مورد نقش منابع انسانی به شرح زیر می‌باشد:

"در بیشتر شرکت‌ها، نقش واحد مدیریت منابع انسانی، کم‌اهمیت در نظر گرفته شده، در حدی که گاه صرفاً وظیفه‌هایی مثل حضوروغیاب کارکنان و تنظیم جدول‌های اضافه‌کاری و حقوق و دستمزد به آن‌ها واگذارشده. برخی مدیران، وظیفه‌ی واحد مدیریت منابع انسانی را بیشتر از جنس هنرِ کار کشیدن بیشتر از نیروی کار می‌بینند. درنتیجه، حاضر نیستند نقش مدیر منابع انسانی و واحد منابع انسانی را به‌عنوان نماینده‌ی اعضای سازمان به رسمیت

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

بشناسند. برخی شرکت‌ها هم واحد مدیریت منابع انسانی را در حد واحد تدارکات منابع انسانی می‌بینند و تمایلی به درگیر کردن این واحد در تصمیم‌های استراتژیک سازمان ندارند. طبیعی است که با این نگاه، بحث توسعه منابع انسانی هم جایگاهی نخواهد داشت."

طبق نظر خبرگان افشاگری تقلب یکی از مؤثرترین روش‌های کنترل و پیشگیری در زمینه تقلب می‌باشد. در این روش کارکنان به گزارش فعالیت مشکوک افراد در سازمان بدون هیچ ترسی تشویق می‌شوند (بیراستیکرو همکاران، ۲۰۰۶). نقل‌قول یکی از خبرگان به شرح زیر است:

"در شرکت‌های ما، افشاگری تقلب به کارکنان آموزش داده نشده طوری که فرد اگر تقلبی را اطلاع دهد خود را طردشده از طرف همکاران می‌بیند درواقع با یک احساس ناامنی مواجه می‌شود از طرفی هم این افشای تقلب را یک کار ناجوانمردانه در قبال همکار خود می‌داند. کارمندان ما باید آموزش ببینند و یاد بگیرند که افشاگری و ارائه اطلاعات یکی از وظایف آن‌ها در قبال سرمایه‌گذاران شرکت است. باید اول فرهنگ افشاگری در شرکت‌ها آماده‌سازی شود تا شخص افشاگر به‌عنوان جاسوس و خبرچینی که امروزه استفاده می‌شود خطاب نگردد. هم‌چنین شخص افشاگر باید احساس امنیت بعد از افشا را هم داشته باشد. اگر یک سیستم تنبیه و تشویق هم همان‌طور که در بعضی از کشورها دارند در ایران باشد خالی از لطف نیست."

طبق نظر خبرگان جهت جلوگیری از سرقت و دزدی دارایی‌های فیزیکی ارزشمند باید از تجهیزات امنیتی به‌روز استفاده گردد. بااهمیت‌ترین دارایی‌های فیزیکی، وجه نقد، موجودی‌ها (مواد، محصول و ملزومات) و دارایی‌های ثابت مشهود می‌باشند که به منظور کم‌تر کردن ریسک سرقت آن‌ها باید تمهیدات امنیتی در نظر گرفت. نظر یکی از خبرگان در این زمینه به شرح زیر می‌باشد:

"در اکثر دزدی‌های دارایی‌های فیزیکی شرکت، کارکنان دخیل هستند. در بیشتر شرکت‌های ما ورود و خروج مواد و محصول به انبارها و خط تولید هنوز به‌صورت کاغذی و دستی انجام می‌شود و این عدم تجهیز انبارها به سیستم‌های مکانیزه احتمال سرقت دارایی‌ها را بیشتر کرده است."

با توجه به نظر مصاحبه‌شوندگان و مطالعات کتابخانه‌ای، کنترل‌های حسابداری در ۴ چرخه مهم عملیات شرکت (درآمد، مخارج، تولید و مالی) و کنترل سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری، یکی از مؤثرترین روش‌های جلوگیری از تقلب در هر چرخه می‌باشد. کنترل‌های حسابداری کنترل‌هایی هستند که مستقیماً بر قابلیت اتکای مدارک حسابداری و صورت‌های مالی اثر دارند

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

و به منظور دستیابی به اهدافی چون حفاظت داراییها، قابلیت اتکای مدارک حسابداری و تهیه صورتهای مالی قابلاطمینان استقرار مییابند. رویههای کنترل داخلی در حسابداری میتواند به شش طبقه تقسیم شود که هرکدام به منظور جلوگیری از تقلب و شناسایی خطاها قبل از اینکه سازمان را با مشکل مواجه نمایند، طراحیشدهاند.

تفکیک وظایف، کنترل سیستم اطلاعاتی حسابداری، بررسیهای فیزیکی، مستندات استاندارد، مغایرت گیری دورهای، صدور مجوزهای لازم.

پیامدها: با توجه به نظر خبرگان، بهکارگیری هریک از راهبردهای ذکرشده در جهت جلوگیری از وقوع تقلب، در سه سطح جامعه، شرکت و فرد تأثیرگذار خواهد بود.

تقلبهای گسترده در سطح جامعه تأثیر منفی عمیقی بر روی رشد اقتصادی و در نتیجه توسعه میگذارد. کاهش کارایی اقتصادی، تخصیص نادرست منابع و توزیع نامناسب درآمدها به همراه کاهش انگیزههای سرمایهگذاری در بلندمدت بر روی رشد اقتصادی کشور از اثرات تقلب در سطح جامعه میباشد. در نتیجه، پیامدهای اقتصادی شیوع تقلب در کشورها میتواند شامل ضد رشد و توسعه بودن اقتصاد، ایجاد و گسترش فقر و آثار و پیامدهای آن و نیز تغییر فرهنگ اقتصادی شود (صنیعی، ۱۳۹۵).

نقلقول یکی از مصاحبهشوندگان در مورد آثار تقلب بر جامعه به شرح زیر است:

"یکی از اصلیترین معیارهای جامعه سالم، بالا بودن اعتماد، امید و رضایت اجتماعی در بین مردم است که این مؤلفهها نیز با اتفاقهایی از قبیل فساد و تقلب خدشهدار میشوند. وقتی کارمند یا کارگر و یا جوانی که صادقانه در پی کسب مال از راههای قانونی بوده، در اطراف خود میبیند که افرادی در جامعه هستند که بدون هیچ تلاشی و بهیکباره ثروت زیادی را به دست میآورند و از زندگی خوبی برخوردار هستند، احساس یأس و سرخوردگی میکند. درواقع افراد جامعه با دیدن چنین افرادی در اطراف خود بهمرور به این باور میرسند که باکار صادقانه غیرممکن است به ثروت برسند. این حس ناامیدی باعث سوق آنها به سمت خلافکاری و جرائم اقتصادی میشود که منشأ آن الگو قرار دادن همان افرادی است که برای رسیدن به ثروت کلان دست به اختلاس زدهاند و ره صد شبه را یکشبه رفتهاند"

در مورد جامعه، با ترویج ارزشهای اخلاقی و بهبود فرهنگ درستکاری، از تخریب جامعه و افزایش فساد اخلاقی و در نتیجه فساد اقتصادی جلوگیری میشود. همچنین منجر به افزایش اعتماد مردم نسبت به یکدیگر و سازمانها، جامعهای سالمتر و خوشبختتر میگردد.

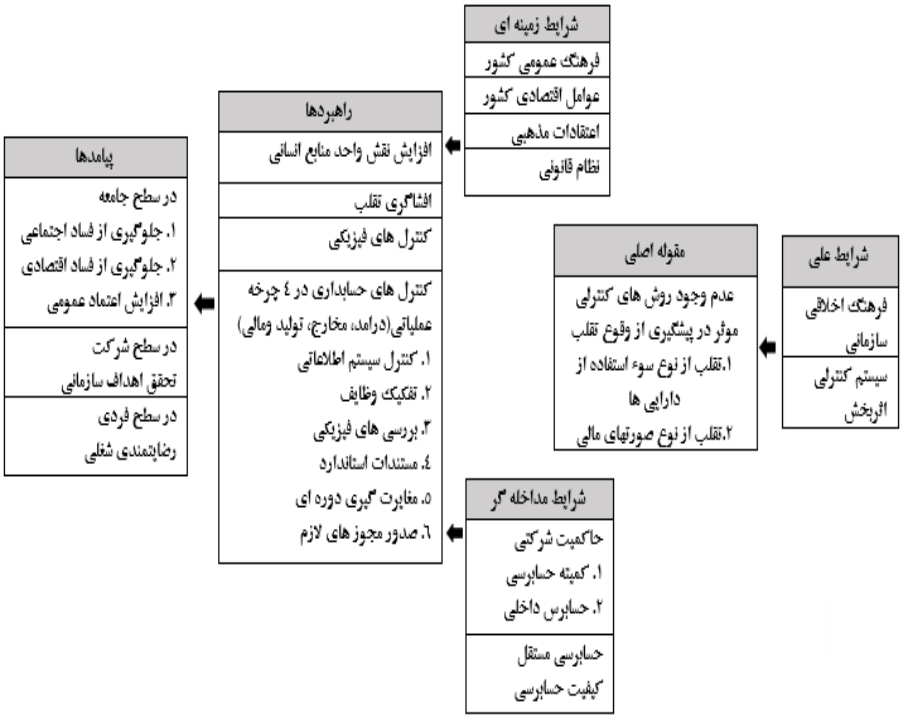
در مورد سازمانها، با ایجاد بستر مناسب و بهکارگیری راهبردها بهطور اثربخش، اطمینانی معقول از حرکت سازمان به سمت تحقق اهدافش ایجاد میگردد و از اتلاف منابع، کاهش

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

سرمایه‌گذاری و نارضایتی مشتریان جلوگیری می‌گردد. هم‌چنین اطمینان از وجود شفافیت در سیستم‌های اقتصادی و مالی و شفافیت در تصمیم‌گیری را برای سرمایه‌گذاران به همراه دارد که این خود منجر به جذب افزایش سرمایه‌گذار برای شرکت می‌گردد.

در مورد فرد، با توجه به ایجاد بستر مناسب شرکت‌ها برای کارکنان خود و به‌کارگیری راهبردها، رضایت از کار و اطمینان نسبت به پیشرفت در کار برای افراد ایجاد می‌گردد. زمانی که فرهنگ درستکاری، شایسته‌سالاری، اهمیت دادن به طراحی و اجرای سیستم‌های کنترل داخلی اثربخش در سازمان برقرار باشد، این اطمینان در کارکنان ایجاد می‌گردد که در محیطی سالم و منصفانه مشغول به کار است.

پس از ارزیابی اعتبار الگوی به‌دست‌آمده از طریق روش کنترل اعضا[1]، الگوی پیشگیری از وقوع تقلب در کشور به شرح ذیل ارائه می‌شود:



شکل (۲): الگوی پیشگیری از وقوع تقلب در ایران (یافته‌های پژوهشگر)

1 Member Cheking

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

در بیست سال گذشته، در تحقیقات مختلف معیارهای متفاوتی برای ارزیابی پژوهش‌های کیفی ازجمله پژوهش‌های مبتنی بر روش نظریه‌پردازی زمینه بنیان ارائه شده است. البته تلاش برای ایجاد معیارهایی جهت قضاوت دربارهٔ کیفیت مطالعات، کنترل نشدنی به نظر می‌رسد، بااین‌حال توافق‌ها و همپوشی‌های زیادی بین این معیارها دیده می‌شود.

برخی از روش‌هایی که عمدتاً برای اعتباربخشی به مدل و نتایج پژوهش استفاده می‌شود شامل موارد زیر است:

- زاویه‌بندی (اجماع/مثلث سازی)
- کنترل اعضا (بررسی توسط اعضا)
- ارزیابی بر اساس ۱۰ شاخص "مقبولیت"

که یافته‌های پژوهش حاضر از طریق روش کنترل اعضا ارزیابی گردیده است. کنترل اعضا تکنیکی است که پژوهشگر به‌وسیله آن یافته‌های خود را با یک یا چند نفر از افراد مطلع تحت بررسی کنترل می‌کند و این تکنیک جهت تائید تفاسیر پژوهشگر به کار می‌رود. در پژوهش حاضر نیز به منظور اعتبارسنجی یافته‌های پژوهش، الگوی مربوطه به ۱ نفر از مشارکت‌کنندگان ارائه و پس از بحث و بررسی، نظرات تکمیلی آنان دریافت و اعمال شد. همچنین، یافته‌های پژوهش به ۱ نفر دیگر از صاحب‌نظران حرفه تقلب که قبلاً در فرایند مصاحبه مشارکت نداشتند، ارائه و توسط آن‌ها نیز مورد بررسی و ارزیابی و تائید قرار گرفت. طبق نتایج پژوهش، عوامل فرهنگ اخلاقی سازمان و سیستم کنترلی اثربخش، شروط علی و اثرگذار بر روش‌های کنترلی در پیشگیری از وقوع تقلب شناخته شدند. هم‌چنین روش‌های کنترلی اثربخش در بستر فرهنگ عمومی، شرایط اقتصادی کشور، اعتقادات مذهبی و نظام قانونی کشور طراحی و اجرا می‌گردند و عوامل حاکمیت شرکتی و حسابرس مستقل جزء شرایط مداخله‌گر و اثرگذار بر روش‌های کنترلی می‌باشند. درنهایت روش‌های پیشگیری و کنترل تقلب در ۴ گروه کنترل‌های فیزیکی، کنترل‌های حسابداری، افشاگری تقلب و افزایش نقش واحد منابع انسانی قرار گرفتند و پیامدهای روش‌های کنترلی مربوطه در سه سطح جامعه، سازمان و سطح فردی اثرگذار است.

۸- پیشنهادها و محدودیت‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش نشان دادند که عوامل مختلفی در ارتکاب تقلب و عدم کارایی روش‌های کنترلی مؤثر هستند. لذا پیشنهاد می‌گردد به منظور اثربخش بودن روش‌های کنترلی تقلب، شرایط زمینه‌ای که شامل فرهنگ عمومی و عوامل اقتصادی، مذهبی و نظام قانونی می‌باشند

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

توسط هر یک از مقامات مسئول اصلاح و بهبود یابند (وزارت آموزش و پروش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و...).

هم‌چنین پیشنهاد می‌گردد، مدیران شرکت‌ها به منظور کاهش هزینه‌ها و تحقق اهداف سازمانی با اشاعه فرهنگ اخلاقی سازمانی و سیستم‌های کنترلی اثربخش می‌توانند نقش مهمی در زمینه پیشگیری از تقلب داشته باشند. به این منظور که اگر مدیران شرکت خود به درستکاری و صداقت پایبند باشد، کارکنان نیز در این جهت وظایف خود را پیش می‌برند.

سازمان‌های نظارتی مانند سازمان بورس و اوراق بهادار و سازمان حسابرسی با اعمال قوانین، استانداردها و دستورالعمل‌های مناسب و کارا به‌طوری‌که این قوانین شفاف و رسا بوده و امکان نقض آن توسط شرکت‌ها و مدیران نباشد، می‌توانند نقش مهمی در زمینه تقلب ایفا نمایند.

هم‌چنین به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌گردد با توجه به اینکه بحث تقلب در مؤسسات مالی و بانک‌های ایرانی در سال‌های اخیر موردتوجه قرار گرفته است، به بررسی و شناسایی روش‌های ارتکاب تقلب و ارائه الگوی پیشگیری از آن در مؤسسات مالی بپردازند.

یکی از اصلی‌ترین محدودیت‌هایی که در اجرای این پژوهش وجود داشته، نبود مستندات کافی مربوط به شرکت‌های متقلب به منظور شناسایی دقیق‌تر علل ارتکاب تقلب، بررسی ویژگی‌های افراد متقلب و شرایط سازمان‌های درگیر تقلب به‌صورت نمونه‌ای می‌باشد. علاوه بر آن به دلیل اینکه در پژوهش‌های کیفی پدیده موردمطالعه در زمینه و بستر خاص خود رخ می‌دهد، لذا امکان تعمیم‌پذیری نتایج و یافته‌های پژوهش به سایر موقعیت‌ها محدود است؛ بنابراین، به سهولت نمی‌توان نتایج پژوهش حاضر را به سایر حوزه‌ها تعمیم داد.

۹- منابع

باباجانی، جعفر. (۱۳۸۱). مسئولیت پاسخگویی و کنترل‌های بخش عمومی، **ماهنامه حسابدار**، ۱۴۶:۲۷-۳۰.

بلکو، هادی، و محمودی، عبدالله.(۱۳۹۵). تأثیر کنترل‌های داخلی بر تخلفات مالی دستگاه‌های اجرایی، **دانش حسابرسی** ۱۴۴:۶۵-۱۴۸.

چالاکی، پری.(۱۳۹۴). حسابداری قضایی و نقش آن در پیشگیری و کشف تقلب، **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، ۱۶: ۳-۴.

خرمی، اسماعیل، و ندا رسولی.(۱۳۹۲). تأثیر کنترل‌های داخلی و مجازات بر تقلب، **مجله حسابرس** ۶۹: ۵-۳.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

خواجوی، شکراله و مهرداد ابراهیمی. (۱۳۹۶). مدل‌سازی متغیرهای اثرگذار برای کشف تقلب در صورت‌های مالی با استفاده از تکنیک داده‌کاوی، **فصلنامه حسابداری مالی ۳۳**: ۲۵-۲۴.

خوزین، علی؛ جمال محمدی و حامد رجب‌زاده. (۱۳۹۶). بررسی کنترل‌های داخلی در بخش عمومی، **فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی** ۳: ۴۵-۴۴.

رجبی، اعظم. (۱۳۹۲). **تأثیر تحریم اقتصادی بر رفاه اجتماعی مردم**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران.

رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۹). **توسعه و تضاد**، تهران، شرکت سهامی انتشار.

زرگر، احمد. (۱۳۹۱). **بررسی رابطه کنترل‌های داخلی با تخلفات مالی در شرکت‌های دولتی استان آذربایجان شرقی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب.

صابری، محمد. (۱۳۸۸). رهنمودهای اینتوسای برای استانداردهای کنترل‌های داخلی در شرکت‌های دولتی مورد رسیدگی سازمان حسابرسی، **مرکز آموزش و بهسازی منابع انسانی دیوان محاسبات کشور**.

صدیقی کمال، لیلا. (۱۳۹۲). تقلب در صورت‌های مالی بر اساس گزارش انجمن بازرسان رسمی تقلب، **مجله حسابرس** ۶۴: ۱۱۸-۱۱۶.

صنیعی، سحر. (۱۳۹۵). تبیین مفهوم فساد اقتصادی و سیاسی در جامعه توسعه محور، **ماهنامه پژوهش ملل** ۱۵: ۴۱-۴۰.

فردرو، محسن. (۱۳۸۰). **جامعه و فرهنگ**، تهران، انتشارات آرون.

مرادی، جواد؛ راحله رستمی و رضا زارع. (۱۳۹۳). شناسایی عوامل خطر مؤثر بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری مالی از دید حسابرسان و بررسی تأثیر آن‌ها بر عملکرد مالی شرکت، **پیشرفت‌های حسابداری** ۱: ۱۵۰-۱۴۲.

وفادار، عباس و فاطمه دادبه. (۱۳۹۲). **حسابرسی**، تهران، انتشارات کیومرث.

Bierstaker, J.L., R.D. Brody, and C. Pacini. (2006). Accountants' perceptions regarding fraud detection and prevention methods. **Managerial Auditing Journal** 21(5): 520-535.

Corbin, J., and A. Strauss. (1998). Grounded Theory Research: Procedures, Canons, and Evaluative Criteria. **Qualitative Sociology** 13(1): 85-89.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

Curtis, S., W. Gesler, G. Smith, and S. Washburn. (2000). Approaches to sampling and case selection in qualitative research: examples in the geography of health. **Social Science & Medicine** 50(7-8): 901-1000.

Dimitrijevic, D., V. Milovanovic, and V. Stancic. (2017). The role of a company's internal control system infraud prevention. **Financial Internet Quarterly** 11(3): 34-44.

Lajos, Z., S. Sever Malis, and A. Novak. (2016). The Role and Responsibility of Auditors in Prevention and Detection of Fraudulent Financial Reporting. **Procedia Economics and Finance** 39: 649-700.

Mirinaviciene, S. (2014). Internal control and fraud prevention: prior research analysis. **Science & Studies of Accounting & Finance: Problems &Perspectiv** 1(9): 173-180.

Othman, R., A. MdThani and E. Kghan. (2015). Fraud Detection and Prevention Methods in the Malaysian Public Sector: Accountants' and Internal Auditors' Perceptions. **Procedia Economics and Finance** 28: 59-67.

Seetharaman, A., M. Senthilvelmurugan, and R. Periyanayagam. (2014). Anatomy of computer accounting frauds, **Managerial Auditing Journal**, 19(8): 1055-1072.

SherlizaPuat Nelson. (2012). Fraudulent financial reporting, **International Islamic University of Malaysia**, 36:25-31.

The Association of Certified Fraud Examiners (ACFE). (2012)**. GOBAL FRAUD STUDY.** Available at http://www.ACFE.com/uploadedFiles/ACFE_Website/Content/rttn/2012-)

Watson, D., L. (1994). **Self-Directed behavior: self modification for personal adjustment**, California: Wadsworth Publishing.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]